

« بحثی پیرامون ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی »

نظر باینکه در شماره ۹۸ مجله کانون وکلا تحت عنوان « در ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی عبارت ممیز غیر بالغ صحیح است وزیرنویس آن بیمورد است » مقاله ای بقلم یکی از همکاران محترم که مدتی افتخار تلمذ مکتب و درک محضرشان را داشته‌ام تحریر یافته بود که بحث و نقد در زمینه مقاله مزبور بیمورد بنظر نمی‌رسید لذا با کسب اجازه از محضر این همکار شریف و استاد معظم با ذکر هر یک از موضوعات مورد نظر به تجزیه و تحلیل خصوصی مورد می‌پردازیم.

۱ - نگارنده مقاله عقیده دارند « عبارت غیر ممیز که از طرف ناشر نوشته شده صحیح نبوده بلکه عبارت صحیح همان ممیز غیر بالغ است که از طرف قانون گذار در قسمت اخیر ماده ۳۴ مجازات عمومی بکار رفته »

همانطور که نویسنده محترم مقاله مرقوم داشته‌اند عبارت صحیح همانست که در متن قانون تصریح شده زیرا قطع نظر از آنکه انتساب این قبیل اشتباهکاری بمقنن پسندیده و زیننده نیست و صرف نظر از آنکه تغییر عبارات و کلمات و لغات قانونی بهیچ وجه جائز و موجه نمیباشد اصولاً این چنین تغییر و تبدیل برخلاف منظور قانون گذار بوده و در عمل هم موجب نوعی بی‌نظمی قضائی میگردد زیرا باتوجه باینکه مقنن خود اطفال تا ۱۲ سال تمام را فقط در حکم غیر ممیز دانسته نه غیر ممیز و بخصوص با این عنایت که همه این دسته اطفال عرفاً غیر ممیز نیستند ذکر و اطلاق اطفال به غیر ممیز صحیح نخواهد بود خاصه آنکه در این صورت لازم می‌آید حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ نسبت بهمه اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام که تا سنین شیر خوارگی جلو میروند ساری و جاری باشد.

قابل توجه آنکه اگر عبارت صحیح را همان « ممیز غیر بالغ » بدانیم علاوه بر اینکه نسبت اشتباهکاری بقانون گذار نداده و دخل و تصرفی در عبارات قانونی ننموده‌ایم به پیروی از نظر مقنن و به تبعیت از واقعیت مسلم محیط زندگی اطفال تا ۱۲ سال تمام را بدو دسته « ممیز غیر بالغ » و « غیر ممیز » تقسیم کرده و حکم

قسمت اخیر ماده ۳۴ را شامل دسته اطفالی که قوه تمیز و تشخیص عرفی دارند نموده ایم.

۲ - نویسنده گرامی مقاله عقیده دارند « مقنن حسب مادتين ۳۴ و ۳۵ قانون مجازات عمومی اطفال را بدو دسته متمایز از یکدیگر تقسیم کرده (۱) اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام - ۲ - اطفال بیشتر از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال تمام. دسته اول را غیر ممیز و دسته دوم را ممیز غیر بالغ دانسته است »

اگرچه قانون گذار اطفال را حسب مادتين مرقوم بدو دسته تقسیم کرده لکن نتیجه ای را که نویسنده مقاله از این تقسیم بندی گرفته اند با آنچه منظور مقنن بوده مطابقت ندارد بعبارت روشنتر همانطور که در قسمت ۱ موضوع تشریح گردید همه اطفال تا ۱۲ سال تمام را نه از نقطه نظر عبارت و منظور مقنن و نه از جهت عرف و محیط زندگی نمیتوان غیر ممیز دانست زیرا علاوه از آنکه این چنین تعبیری مخالف صریح عبارت قانونی و دور از واقعیت موجود در محیط زندگی ماست اصولاً لازم میآید با این تعبیر حکمی را که قانون گذار در ماده معین و درباره موضوع مشخصی بیان نموده بدون وجود حتی کمترین قرینه ای که انصراف مقنن را از شمول حکم بموضوع ماده مربوطه در برداشته باشد حکم را از موضوع مذکور در ماده برداشته آن را منحصر نسبت بدسته افرادی که قانون گذار تاکنون از آنها صحبتی بمیان نیاورده شامل قرار دهیم در حالیکه این چنین تعبیر موسعی لااقل دلچسب نخواهد بود.

۳ - نگارنده ارجمند اظهار عقیده نموده اند « منظور مقنن از عبارت قسمت اخیر ماده ۳۴ همان اطفالی هستند که در ماه ۳۵ بیان نموده » قطع نظر از اینکه بعنایت مراتب مذکور در قسمت ۲ اتخاذ چنین شیوه ای آنهم از جانب مقنن که باید همه جوانب کار اندیشیده باشد موجه نیست اصولاً در صورتیکه قانون گذار اطفال تا ۱۲ سال تمام را کلاً غیر ممیز می شناخت با اختصار بیشتر و عبارت بسیار روشنتری مقصود خود را ادا مینمود بعبارة اخری مقنن میتوانست با انتخاب عبارت « اطفال تا ۱۲ سال تمام غیر ممیز بوده و آنها را نمیتوان جزائماً محکوم نمود » مقصود خود را بنحوی که جامع و مانع باشد ادا سازد دقت مختصری در بیان نحوه مطلب

از ناحیه مقنن مؤید این نظر است که قانون گذار ضمن آنکه اطفال غیرمميز را قابل مجازات نمیداند اطفالی را هم که تا سن ۱۲ سال تمام دارای قوه تمیز - و تشخیص عرفی باشند در حکم غیرمميز شناخته اجرای مجازات را درباره این دسته لازم نمیداند نهایت بایستی توجه داشت که اگر قانون گذار با وصف قوه تمیز و تشخیص عرفی این دسته اطفال را از نقطه نظر جزائی مسئول نمیداند لکن تسلیم آنها با ولیاء خویش جهت الزام به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاقشان که بهیچ وجه جنبه عتوبت و مجازات نداشته نوعی اقدام تامینی است لازم و ضروری میدانند.

۴ - نویسنده ارجمند مقاله عقیده مندند « نظر باینکه قانون گذار اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام را جزائاً محکوم نمیداند بنابراین احضار و جلب این دسته افراد صحیح نمیباشد » اصولاً با التفت باینکه انجام هر تکلیف و وظیفه ای ملازمه با وجود اختیارات معین و مشخصی دارد مشکل مزبور خود بخود منتفی است زیرا وقتی نپذیریم قانون گذار درباره اطفال سیمیز غیربالغ کمتر از ۱۲ سال تمام تسلیم آنها را با ولیائشان برای الزام بتادیب تربیت و مواظبت در حسن اخلاق آنها ضروری دانسته و در این مورد هر اقدامی که ملازمه با انجام این حکم قانونی داشته باشد نه تنها مجاز و موجه است بلکه لازم و ضروری میباشد خاصه آنکه توجه مختصری باین عبارت در صورتیکه اطفال سیمیز غیر بالغ مرتکب جرمی شوند ما را از هرگونه توجیهی بی نیاز میسازد زیرا احراز وقوع جرم و مسلم بودن انتساب آن بطفل سیمیز غیر بالغ برای اعمال حکم قانونی ضرورت تامه دارد بدیهی است برای تحقق بزه تحقیق از طفل مورد نظر لازم است و بالتلیجه احضار و جلب وی بنحوی که فوقاً تشریح گردید طریق و وسیله کشف حقیقت و اعمال و اجراء دستور قانونی بوده لازم و ضروری است .

۵ - نگارنده محترم مقاله مینویسند " شامل قرار دادن حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی با افراد موضوع حکم ماده ۳۵ قانون مرقوم منافات ندارد « با فرض آنکه از لفظ فقط در ماده ۳۵ چشم پوشی نموده و عقیده داشته باشیم منظور مقنن از استعمال لفظ مزبور صرفاً جنبه جزائی قضیه بوده نه الزام بتادیب که فاقد خصوصیات مجازات است همچنین با وصف قبول این ایراد که چرا مقصود خود را در خصوص اعمال حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ در مورد اطفال موضوع ماده ۳۵ تصریح نکرده شاید مشمول حکم مزبور در باره اطفال بیش از ۱۲ سال و کمتر از

۱۵ سال تمام بتوجیهی که درمقام دیگر بیان خواهد شد بی وجه نباشد لکن آنچه مسلم است اگر حکم مزبور را باطفال اخیرالذکر تسری دهیم نباید این تسری آنچنان باشد که حکم را از موضوع خود که اطفال ممیز غیربالغ هستند منفک ساخته منحصر شامل افراد موضوع ماده ۳۵ قرار دهیم.

۶ - نویسنده ارجمند اظهار عقیده مینماید^۱ شمول حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ به اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام این نتیجه را دربردارد که اگر طفل ۱۲ ساله ای مرتکب خلاف شود بالزام به تادیب باولیایش سپرده شود درحالیکه نسبت به امر خلافی که طفل ۱۴ ساله ای مرتکب میشود با این توجه که حکم ماده ۳۵ منحصر آنظر به جنحه و جنایت است اقدامی میسور نبوده این چنین طفلی باید آزادانه رها گردد.

اولا - به نحوی که فوقاً اشاره بعمل آمد شاملی قرار دادن حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ باطفال بیشتر از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال بی وجه نمیشد خاصه آنکه عبارت "اگر اطفال ممیز غیربالغ که بسن ۱۵ سال تمام نرسیده اند....." از ماده ۳۵ متضمن این معنی است که از نقطه نظر قانونی اطفال ممیز غیربالغ دیگر غیر از افراد موضوع این ماده وجود دارند وقت در عبارت مزبور و بخصوص استعمال لفظ "که" موید این عقیده بنظر میرسد بدیهی است در این صورت اطفال ممیز غیربالغ دیگر همان اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام هستند که مقنن در قسمت اخیر ماده ۳۴ بان تصریح و حکم خود را درباره آنها مقرر داشته بنابراین با توجه بقابلیتی که حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ برشمول نسبت باطفال موضوع حکم ماده ۳۴ دارد - اشکال مورد نظر با اعمال حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ درباره اطفال بیشتر از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال تمامی که مرتکب بزه خلافی میگرددند خود بخود مرتفع میگردد. ثانیاً - با این توجه که قانون گذار منحصر اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام را از دائره شمول مقررات جرائی خارج ساخته میتوان اعمال مجازات خلافی در باره اطفال بیش از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال را طریق دیگر رفع اشکال قضیه قرار دارد ثانیاً - با وصف آنکه با استفاده از لفظ " اشخاص در مقررات خلافی و اینکه مقنن فقط افراد بیش از ۱۵ سال تمام را بالفظ «شخص» خطاب کرد و در باره افراد کمتر از ۱۵ سال تمام بلفظ «اطفال» تصریح کرده این نتیجه را بگیریم که مقررات خلافی شامل اشخاص یعنی افراد بیش از ۱۵ سال تمام میباشد یا با استفاده از این

استدلال که قانون گذار حتی در بزه جنحه و جنایت اطفال ممیز غیربالغ بیشتر از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال را قابل مجازات حبس ندانسته چطور میتوان پذیرفت در امر خلافی که مفسد دلتش بمراتب کمتر از سر جنحه و جنایت است طفل کمتر از ۱۰ سال را قابل مجازات حبس دانسته باشد نتیجه اطفال موضوع ماده ۳۵ را از دایره مشمول مجازات خلافی نیز خارج ساخته و عقیده مند باشیم حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ نیز شامل این دسته اطفال نخواهد بود معذالک این منقصت قانونی را بشرحیکه بعد کفایت بیان توجیه گردید نمیتوان دلیل عدم شمول حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ ممیز غیربالغ کمتر از ۱۲ سال تمام قرار داد منحصرأ شامل اطفال بیشتر از ۱۲ سال و کمتر از ۱۵ سال تمام بدانیم .

۷ - نویسنده محترم مقاله مرقوم داشته اند شامل قرار دادن حکم قسمت اخیر ماده ۳۴ با اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام موجب میشود حکم مزبور حتی نسبت با اطفال شیرخوار نیز سرایت داشته باشد

بله اگر حکم مزبور را شامل همه اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام قرار دهیم نظراً برای دایره رعایت اختصار و ایجاز ادبی ایجاب مینمود بجای عبارت « ممیز غیربالغ » عبارت « اطفال فوق » بکار برده شود کاملاً صحیح بود در حالیکه قانون گذار با بصیرت کامل و بکار بردن عبارت « اطفال ممیز غیربالغ » مقصود و منظور خود را که عبارت از تقسیم اطفال تا ۱۲ سال تمام بدو دسته غیر ممیز و ممیز غیربالغ بوده بنحوروشنی بیان نموده بعبارت اخیری انتخاب عبارت « اطفال ممیز غیربالغ » در قسمت اخیر ماده ۳۴ حاکی از این معنی است که اطفال غیر ممیز نه جزائاً مسئول هستند و نه لزومی بسپردن آنها به اولیائشان جهت الزام به تادیب وجود دارد و در مقابل اطفال دسته دوم یعنی اطفال ممیز غیربالغ در حالیکه نبایستی مورد مجازات قرار گیرند لکن حکم الزام به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق آنها که بهیچ وجه واجد خصوصیت مجازات نیست درباره آنها ضروری نباشد در صورتیکه تغییر عبارت مزبور به اطفال فوق نه تنها کفایت براداء مقصود نمیکرد بلکه نوعی بی نظمی قضائی را هم در برداشت تنها ایرادی که در این زمینه ظاهراً بنظر میرسد مساله و تشخیص حدود و مرز فیما بین اطفال ممیز غیربالغ و غیر ممیز است باین شرح که با عدم تصریح حدود مرز مشخص از طرف قانون گذار چه امری را باید ضابط و ملاک تمیز و تشخیص این دو دسته اطفال قرار داد در این خصوص ایراد مزبور را بایست نهاد دو راه حل میتوان پاسخ داد .

الف - همانطور که عرف اطفال از ۷ سال به بالا را ممیز تشخیص میدهند قانون گذار هم با عنایت باین امر عرفی نظرش از اطفال ممیز غیربالغ همان اطفال ۷ سال به بالا بوده است

ب - قانون گذار تشخیص قوه تمیز در اطفال را بعهدده قاضی محول نموده البته اینجانب هر یک از دو راه حل مزبور خالی از ایراد نیست چه راه حل اول متضمن این ایراد است که چرا قانون گذار معنی مزبور را تصریح نکرده و راه حل ثانوی این اشکال را در بردارد که چرا قانون گذار از ارائه ضابطه وسلاک مشخصی که بیشتر ضامن استقرار نظم قضائی است خود داری کرده تمیز و تشخیص را بدون ارائه ضابطه وسلاک قانونی بعهدده قاضی محول نموده است .

بطور کلی با توجه باینکه پاره ای از موضوعات اصولاً اقتضاء تصریح و ارائه سلاک و ضابطه معین و مشخص نداشته بعضاً ایجاب میکند قانون گذار بدون تصریح و تعیین سلاک و ضابطه قانونی اختیار تشخیص و تمیز را بعهدده قاضی وا گذارد کما اینکه در خصوص مقدار مجازات تعیین آنرا بین حداقل و اکثر در اختیار قاضی قرار داده در خصوص تمیز و تشخیص قوه تمیز نیز دست قاضی را باز گذارده خاصه آنکه واقعاً خصوص مورد اقتضاء این اختیار را دارد زیرا چه بسا اطفالی که بیش از ۷ سال دارند لکن واجد قوه تمیز و تشخیص عرفی نیستند و یافت میشود اطفالی که در سنین پنج شش سالگی که از قوه تمیز و تشخیص نسبی برخوردارند بالاخص آنکه همانطور که گفته شد اساساً حکم قسمت اخیر ماده ۳ و ۴ واجد جنبه جزائی نمیشد بنا بر مراتب بنظر میرسد انتخاب راه حل دوم موجه تر باشد

۸ - نگارنده ارجمند مینویسد شامل قرار دادن حکم قسمت اخیر ماده ۳ با اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام موجب میشود حکم مزبور حتی نسبت با اطفال شیرخوار نیز سرایت داشته باشد .

نه تنها هیچ دلیلی در دست نیست که حکم قسمت اخیر ماده ۳ را شامل هر افراد کمتر از ۱۲ سال تمام بدانیم بلکه دقت در عبارات قانونی بکار رفته در ماده سرقوم بطوریکه فوقاً تصریح گردید موید این معنی است که مقنن به پیروی از واقعیت موجود در شعاع قضائی و محیط تحت حکومت قانونی خویش اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام را فوقاً از لحاظ مجازات در حکم غیر ممیز تعرفه کرده و بلافاصله پس

از بیان این موضوع هشدار داده که اگرچه اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام باید از مجازات معاف باشند لکن این امر مانع ازان نیست که نسبت به دسته ای از این افراد که در واقع ممیز بوده لیکن قانون گذار بجهت منع از مجازات درباره ایشان آنها را در حکم غیر ممیز دانسته اقدامات دیگری که مفید بحال دسته افراد و نتیجتاً مانع از تجاوز احتمالی بعدی آنها به هیئت اجتماع است اعمال گردد علاوه بر این باوصف تصریح قانون گذار بر اینکه در صورتیکه اطفال ممیز غیر بالغ مرتکب جرمی شوند باید با ولیای خود تسلیم گردند... دلیل موجهی وجود ندارد که حکم قسمت اخیر ماده را برخلاف نص شامل اطفال غیر ممیز قرار دهیم تان نتیجتاً اشکالی که مورد نظر همکاران ارجمندمان قرار گرفته پیش آید مگر آنکه عبارت ممیز غیر بالغ را همانطور که ناشر عقیده دارد " غیر ممیز " بدانیم که در این صورت حکم ماده شامل تمام افراد خواهد شد بدیهی است بتوجهی که فوقاً تشریح گردید اصولاً عبارت صحیح همان ممیز غیر بالغ است نه غیر ممیز